



The Restrictions of the Vowel Raising When /a/ Followed by Nasals in Persian

Parviz Ghasemi¹, Mohammad Reza Ahmadkhani^{2*}, Aliye Kord Zaferanlu Kambuzia³, Ali Karimi firuzjaie⁴

¹Department of Linguistics, Ph.D. Student in General Linguistics, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

² Department of Linguistics, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran/ Associate Professor of Linguistics, Payame Noor University (PNU), Tehran, Iran.

³ Department of Linguistics, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran/ Associate Professor of Linguistics, Tarbiat Modares University (TMU), Tehran, Iran.

⁴ Department of Linguistics, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran / Associate Professor of Linguistics, Payame Noor University (PNU), Tehran, Iran.

Article Info

Article type:
Research Article

Received:
19/07/2023

Accepted:
14/10/2023

ABSTRACT

The current research aims at studying a frequent phonological process. A sort of vowel-consonant harmony which acts when the vowel /a/ followed by a nasal consonant. The process sometimes does not act in many Persian words. This article deals with the Persian words, having the required phonological circumstances, but Persian speakers do not raise their vowels. Many university students look for the reasons and it needs a more detailed study. The research method is a survey, qualitative content analysis and the data included in 110 words gathered by purposive sampling to make a questionnaire. The interviewees include 150 speakers who are fluent in Persian. The vowel raising of /a/ before nasals stops in accordance with the historical documents and in newer words. The findings show that even in older words, the process does not act because of: 1. The required phonological arrangement stands in two morphemes, 2. In loanwords, 3. In proper nouns, 4. When another phonological process bleeds or put a falling vowel adjacent to a nasal. 5. In open class words of the new domains like teaching and technology.

Keywords: Vowel raising, blocking rule, vowel harmony, nasal consonant, assimilation

Cite this article: Ghasemi, Parviz ., Ahmadkhani, Mohammad Reza., Kord Zaferanlu Kambuzia, Aliye., Karimi firuzjaie, Ali., (2022). The Restrictions of the Vowel Raising When /a/ Followed by Nasals in Persian, with a feminist critique approach, *Interdisciplinary research in persian Language and literature*, Vol. 1, New Series, No.2, Autumn and Winter2022, pages:263-279.

DOI: 10.30479/irpli.2023.19088.1102



© The Author(s).

Publisher: Imam Khomeini International University

***Corresponding Author:** Mohammad Reza Ahmadkhani

Address: Department of Linguistics, Ph.D. Student in General Linguistics, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

E-mail: ahmadkhani@pnu.ac.ir



محدودیت عملکرد فرایند ارتقای واژه /a/ قبل از خیشومی‌ها در زبان فارسی*

پرویز قاسمی^۱، محمدرضا احمدخانی^۲، عالیه کردزعفرانلو کامبوزیا^۳، علی کریمی فیروزجایی^۴

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران.

۲. دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور واحد تهران جنوب، تهران، ایران.

۳. دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

۴. دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

اطلاعات مقاله چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

دریافت:

۱۴۰۲/۰۴/۲۸

پذیرش:

۱۴۰۲/۰۷/۲۲

هدف از نگارش این مقاله بررسی فرایند ارتقای واژه قبل از خیشومی‌ها در واژه‌هایی است که با وجود برخورداری از بافت واجی متناسب، بدون انجام این فرایند تلفظ می‌شوند. بدین منظور ۱۱۰ واژه رایج از زبان فارسی دارای بافت واجی لازم، انتخاب و از ۱۵۰ گویشور فارسی‌زبان خواسته شد تا این واژه‌ها را به سبک غیررسمی تلفظ کنند. پس از ثبت و واج‌نگاری تلفظ گویشوران، تغییرات واجی و چگونگی عمل کردن فرایند مورد نظر بررسی شد. اینکه چرا یک فرایند واجی در بافت‌های مشابه گاهی عمل می‌کند و گاهی عمل نمی‌کند، ضروری می‌نماید تا با انجام پژوهشی مشخص شود که این فرایند تحت تأثیر چه موانع یا عواملی بوده است. اجرای این پژوهش به روش پیمایشی و میدانی و سپس تحلیل محتوای کیفی انجام شد و یافته‌ها نشان داد که فرایند ارتقای واژه قبل از خیشومی‌ها عمدتاً در مقوله‌های بسته و واژه‌هایی عمل کرده که از گذشته در زبان بوده و با افزایش شدن واژه افتاده تلفظ می‌شده‌اند. استناد به ملاحظات تاریخی حاکی از توقف این فرایند است و به همین خاطر واژه‌های جدید را شامل نمی‌شود؛ اما عوامل دیگری سبب شده تا در صورت وجود بافت متناسب در بسیاری واژه‌های قدیمی‌تر نیز افزایش واژه عمل نکند. این عوامل عبارتند از: ۱. بافت ایجاد شده مربوط به دو تکواژ باشد. ۲. کلمه مورد نظر وام‌واژه باشد. ۳. اسامی خاص. ۴. بافتی که در آن، عمل کردن یک فرایند واجی دیگر باعث مجاورت واژه پسین افتاده با خیشومی شده باشد. ۵. وجود بافت متناسب در مقوله‌های باز و حوزه‌های نوین آموزشی و فناوری. کلمات کلیدی: ارتقای واژه، قاعده مانع، هماهنگی واکه‌ای، همخوان خیشومی، همگونی.

استناد: پرویز قاسمی، پرویز؛ محمدرضا احمدخانی، محمدرضا؛ کردزعفرانلو کامبوزیا، عالیه؛ کریمی فیروزجایی، علی. (۱۴۰۱). محدودیت عملکرد فرایند ارتقای واژه /a/ قبل از خیشومی‌ها در زبان فارسی، دوفصلنامه پژوهشی‌های میان‌رشته‌ای زبان و ادبیات فارسی، سال اول، دوره جدید، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۴۰۱: ۲۶۳-۲۷۹.

DOI : 10.30479/irpli.2023.19088.1102



حق مؤلف © نویسنده‌گان.

ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

مقدمه

هدف از نگارش این مقاله بررسی فرایند واجی است که طی آن، برخی کلمات با وجود بافت واجی متناسب، بدون عمل کردن فرایند مورد نظر تلفظ می‌شوند. افراشته شدن واکه کشیده /a/ در بافت قبل از خیشومی‌ها، در زبان فارسی از بسامد بالای برخوردار است و در واژه‌های مختلف، متفاوت تلفظ می‌شود. بافت‌محور بودن فرایند مورد نظر سبب شده تا دلیل عمل نکردن این فرایند موضوع تحقیق حاضر باشد. واژه‌هایی مانند /حمام/، /شانه/، /فنجان/، /بادمجان/ و /داماد/ باتوجه به توالی واکه /a/ و همخوان خیشومی، اغلب با ارتقای واکه تلفظ می‌شوند؛ درحالی‌که با وجود بافت واجی مشابه در کلماتی نظیر /بانک/، /دبیرستان/، /تانک/، /دانشکده/، /لیسانس/، /دوستام (دوستانم)/، /آلمان/ و /یونان/ فرایند مورد نظر عمل نمی‌کند. سؤال اصلی تحقیق حاضر این است که چرا فرایند افراشته‌گی واکه قبل از خیشومی‌ها در زبان فارسی همه داده‌ها را تحت پوشش قرار نمی‌دهد؟ براین اساس، تحقیق حاضر می‌تواند به‌عنوان مطالعه‌ای میان‌رشته‌ای بین زبان‌شناسی، ادبیات فارسی و آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان، رویکردی آموزشی در زبان‌شناسی کاربردی داشته باشد.

۱. پیشینه پژوهش

عمده مطالعات این حوزه که محور موضوعی مشابهی دارند، چگونگی وقوع فرایند هماهنگی واکه‌ای و همگونی واکه با همخوان را در طیف وسیعی از گونه‌های زبانی و گویش‌های داخل کشور توصیف کرده‌اند؛ درحالی‌که این تحقیق به بررسی دلایل عمل نکردن یک فرایند می‌پردازد. از این‌رو، نزدیک‌ترین پژوهش‌ها به موضوع تحقیق حاضر به‌عنوان پیشینه انتخاب شده است تا مسیر دستیابی به رهیافت و نتایج را هموارتر کند:

صادقی، علی‌اشرف (۱۳۸۰) در مقاله‌ای تبدیل /an/ و /am/ به [un] و [um] در فارسی گفتاری و سابقه تاریخی آن ابتدا به مقاله کان و برنستاین اشاره و آن را ارزیابی کرده است. سپس با استناد به شواهدی از متون کهن نشان داده که این تبدیل بسیار قدیمی است و سابقه آن به دوران پیش از اسلام و زبان پهلوی می‌رسد و امروزه در زبان فارسی متوقف شده است.

رضی نژاد، سید محمد (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با به‌کارگیری نظریهٔ تناظر برون‌داد با برون‌داد برای داده‌های زبان ترکی آذربایجانی (گوش مشکین شهری)، فرایندهای هماهنگی و ناهماهنگی واکه‌ای را در چارچوب رتبه‌بندی ثابتی از محدودیت‌ها تحلیل کرده است. فرایندهای هماهنگی و ناهماهنگی واکه‌ای ظاهراً باهم متضاد به نظر می‌رسند؛ اما با رویکرد مقاله، این فرایندها با اصول نظری یکسان و رتبه‌بندی ثابتی از محدودیت‌ها مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. این پژوهش همچنین در چارچوب نظریهٔ تناظر برون‌داد با برون‌داد و تمایز بین تغییر ساخت و تکمیل ساخت، عدم‌هماهنگی واکه‌ای به‌دلیل حضور واحد واجی تیره را با همان محدودیت‌هایی تحلیل کرده که برای نمایش هماهنگی واکه‌ای ارائه شده‌اند.

کردزعفرانلو کامبوزیا و عزت‌آبادی‌پور، طاهره (۱۳۹۶) در مقاله‌ای به بررسی ارتقای واکه و واژگونی آن در گونه‌های زبان فارسی بر اساس واج‌شناسی زایشی پرداخته‌اند. در این پژوهش ۱۱ گونهٔ زبانی به‌طور هدفمند انتخاب شده و داده‌های آن‌ها از طریق منابع مکتوب، مقاله و پایان‌نامه استخراج شده است. در هر یک از این گونه‌ها، قواعد واجی استخراج و در مرحلهٔ بعد عکس آن قواعد در همان گونه یا گونه‌های دیگر ذکر شده است. سپس بر اساس اصول واج‌شناسی زایشی و معیارهای یسنن (Jensen, 2004: 117) به تحلیل واجی قواعد برای کشف قاعدهٔ طبیعی پرداخته شده است. پس از بررسی، دو نوع ارتقای واکه و واژگونی این قاعده، در این گونه‌ها یافت شده است؛ و این دو نوع ارتقای واکه و واژگونی قاعدهٔ آن، محیط ایجاد این قواعد و نوع واژگونی بررسی شده است. نتایج حاصله عبارتند از: ۱. طبیعی‌ترین قاعده از نظر آوایی لزوماً ساده‌ترین قاعده نیست؛ یعنی سادگی شرط لازم برای طبیعی‌بودن قاعده است؛ اما شرط کافی نیست. ۲. از لحاظ همزمانی می‌توان تبدیل [a] به [e] را واژگونی قاعدهٔ تبدیل [e] به [a] محسوب کرد؛ ولی از لحاظ در زمانی و تاریخی این دو قاعده یکی هستند.

زارعی، مهدی (۱۳۹۹) در پژوهشی به بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌های آوایی لهجه‌ها و هماهنگی واکه‌ای آن‌ها پرداخته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد گرچه تفاوت‌هایی از نظر هماهنگی واکه‌ای بین برخی لهجه‌ها در زبان‌هایی مانند کردی و ترکی در تغییر واکه [a] به [e] و واکه [e] به واکه [a] وجود دارد، از نظر آماری اختلاف معناداری در هماهنگی واکه‌ای در بین این لهجه‌ها دیده نشده است.

احمدخانی، محمدرضا و واتق، الهه (۱۳۹۹) در مقاله‌ای به بررسی هماهنگی واکه‌ای پرداخته‌اند. این مقاله به بررسی هماهنگی واکه‌ای و هماهنگی واکه‌ای-همخوانی در زبان فارسی در چارچوب نظریه بهینگی پرداخته و اشاره کرده که هماهنگی واکه‌ای به مشخصه‌های ارتفاع، پسین‌بودن واکه، گردی، ریشه پیش‌آمده زبان و خیشومی‌شدگی وابسته است. روش تحقیق، تحلیل محتوا و داده‌ها به شیوه تمام‌شماری و هدفمند از فرهنگ فارسی معین (۱۳۸۸) گردآوری شده است. این تحقیق نشان می‌دهد برخی مشخصه‌های همخوان‌ها از جمله کامی‌شدگی در هماهنگی واکه‌ای-همخوانی دخیل هستند. در زبان فارسی برای تبیین هماهنگی‌ها، جایگاه قوی به‌لحاظ واجی و صرفی، عامل مهمی است؛ و محدودیت‌های مجازبودن، تطابق و همانندی در این هماهنگی‌ها، گزینه بهینه را به‌دست می‌دهند.

۳. چارچوب نظری

واج‌شناسی با بررسی نظام آوایی زبان، جایگاه عناصر آوایی زنجیری و زبرزنجیری را در نظام زبان مشخص می‌کند. عناصر واجی برای بازنمایی عناصر معنایی به‌کار می‌روند؛ اما در ذات خود فاقد معنا هستند. باینکه عمده اقدامات مطالعاتی این حوزه حول محور دستور زبان و معناشناسی بوده، اما پژوهشگرانی نظیر جفری ناتان (Jeffrey Nathan) و جان تیلور (John Taylor) همواره نیم‌نگاهی به حوزه واج‌شناسی داشته‌اند. در همین راستا، جان تیلور با مقاله‌ای تحت‌عنوان *واج‌ها از کجا می‌آیند؟* (Where do phonemes come from?) به این نتیجه می‌رسد که واج‌ها مقوله‌هایی مفهومی هستند (Mompean, 2006: 3). ون‌در هولست (Van der Hulst) معتقد است برخی از ویژگی‌های نظام آوایی زبان را به‌صرف این‌که بدانیم چگونه تولید و درک می‌شوند، نمی‌توان توصیف کرد؛ و این یعنی واج‌شناسی اساساً بر محور نظریه‌های شناختی مربوط به واج‌شناسی مبتنی است؛ اما شناختی‌بودن واج‌شناسی تماماً در ذهن خلاصه نمی‌شود و لازم است نظام و مکانیسمی برای استخراج بازنمودهای آوایی نیز وجود داشته باشد. بازنمودهای شناختی از اجزای کوچک‌تر دیگری به‌مثابه اتم ساخته شده‌اند که به‌خودی‌خود معنی ندارند. از دیرباز تصور می‌شد که این اتم‌ها، اتصال نشانه‌های اکوستیک را بر عهده دارند و به آن‌ها واج گفته می‌شود؛ اما تحقیقات بعدی نشان داد که واج‌ها نیز از اجزای کوچک‌تری تشکیل شده‌اند که به آن‌ها مشخصه واجی گفته می‌شود (Van der Hulst, 2003: 1-3). عمل‌نکردن قواعد در بافت‌های واجی در مسیر بازنمایی آوایی (روساختی) تا بازنمایی واجی (زیرساختی)، به چارچوب نظری مشخصی

نیاز دارد تا محیط واجی و علت وقوع موانع احتمالی بر اساس آن تحلیل شود؛ از این رو نظریه زایشی به عنوان چارچوب اصلی تحقیق حاضر انتخاب شده است.

۳-۱. واج‌شناسی زایشی

واج‌شناسی زایشی که از نیمه دهه ۱۹۵۰ مطرح شد، عملاً برگرفته از افکار و اندیشه‌های چامسکی و هله (Chomsky & Halle) بود. از یک سو چامسکی با تأسی از مکتب ساخت‌گرای آمریکایی و تحت تأثیر تعالیم زیگ هریس (Zellig Harris) و از سوی دیگر، هله با تأسی از مکتب پراگ و زبان‌شناسی اروپایی و تحت تعالیم رومن یاکوبسن (Roman Jakobson) پرورش یافته بود و آنچه به شکل‌گیری نظریه زایشی انجامید، مجموعه‌ای از خطوط فکری این دو زبان‌شناس بود و به همین خاطر ریشه نظریه زایشی را می‌توان در دو مکتب ساخت‌گرای آمریکایی و پراگ متصور شد. واج‌شناسی زایشی اهداف مشخصی را دنبال می‌کرد که مهمترین آن‌ها عبارتند از: ۱. کشف قواعدی که به فهرست عناصر واجی زبان از جمله واکه‌ها، همخوان‌ها، هجاها و نواخت‌ها کمک کند. ۲. تعیین توزیع عناصر در بازنمایی زبان و الگوهای آن که همان قواعد واج‌آرایی است. ۳. کشف تناوب‌هایی در قالب تکواژها و نوشتن قواعد واجی بر اساس تناوب‌ها و بیان گونه‌های تلفظ کلمات (Kenstowicz, 1994: 57). ۴. هدف واج‌شناسی زایشی ساختن نظریه‌ای است که بتوان فرایندهای واجی رایج در زبان‌های بشری را در چارچوب پارامترهای توصیفی یک انگاره به‌دست آورد (بی‌جن خان، ۱۳۸۴: ۹، به نقل از مک کارتی، ۱۹۸۸: ۱۰۴-۸۴). در مکتب ساخت‌گرای آمریکایی، واج به کوچک‌ترین عنصر در بررسی‌های تولیدی آوا گفته می‌شد که دارای ارزش زبانی بود و در نظام زبان باعث تغییر معنا یا مقوله دستوری می‌شد. درحالی‌که در مکتب پراگ، تروبتسکوی (trubetzkoy) واج را دارای مجموعه ویژگی‌هایی می‌داند که در چارچوب تقابل‌های یک نظام واجی مشخص می‌شوند و آن را واحد کمینه ممیز معنا می‌داند. بستر و موضوع اصلی این تحقیق، شاخه‌ای از یکی از رایج‌ترین فرایندهای واجی است که کلیت آن همگونی نام دارد. همگونی اساساً برای ساده‌سازی و تسهیل حرکات عضلانی درگیر در تولید یک واژه یا عبارت صورت می‌گیرد (Jensen, 1990: 160).

۳-۲. همگونی

به فرایندی گفته می‌شود که طی آن یک واحد واجی در یک یا چند مشخصه، به یک واحد واجی دیگر

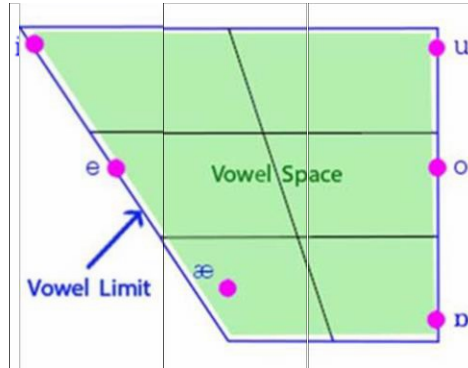
شبيه می‌شود. این فرایند صرف‌نظر از اینکه واحد واجی همگون‌شونده و همگون‌کننده واکه یا همخوان باشند، انواع گوناگونی دارد (Sole', 2007: 145). ترسیم این قاعده واجی در انگاره SPE (چامسکی و هله، ۱۹۶۸: ۱۷۷) با متغیرهایی که چامسکی و هله معرفی کرده بودند (β, α)، صورت می‌گرفت؛ اما در انگاره‌های غیرخطی فرض بر این گذاشته شد که مشخصه‌های آوایی می‌توانند بر سایر عناصر نیز اثر داشته باشند. این مشخصه‌ها در واقع همان عوامل همگونی هستند که می‌توانند حوزه اثرگذاری خود را تا واحدهای واجی دیگر گسترش بدهند (Kenstowicz, 1994: 150).

۳-۳. هماهنگی واکه‌ای

هماهنگی واکه‌ای فرایندی است که طی آن واکه‌های موجود در یک کلمه، در یک یا چند مشخصه واجی، باهم همگون می‌شوند. هماهنگی واکه‌ای برای توصیف محدودیت موجود در مجموعه‌ای از واکه‌ها در یک حوزه واجی که معمولاً کلمه است، به‌کار می‌رود. در چنین حالتی، همه واکه‌های موجود در حوزه یک واژه، در یک مشخصه واجی مانند [پسین] یا [گردی] که در مورد واکه‌ها تمایزدهنده است، مشترک هستند (کردزعفرانلو کامبوزیا، ۱۳۹۲: ۱۹۰).

هماهنگی واکه‌ای پدیده‌ای واجی است که طی آن، واکه‌ای مشخصه‌های واکه مجاور خود را می‌پذیرد و به واکه‌ای دیگر تبدیل می‌شود؛ ممکن است یک واکه، یک یا چند مشخصه خود را از دست بدهد و یا یک یا چند مشخصه از واکه مجاور خود کسب کند (Van der Hulst, 2016: 1). مثلاً اگر [e] را که [-پسین] است، در مجاورت [o] که [+پسین] است، در نظر بگیریم، این واکه ویژگی خود را از دست می‌دهد و مشخصه واکه مجاور خود یعنی [+پسین] را کسب می‌کند. این فرایند در صورتی مانند [row] + [be] که خروجی آن را به صورت [borow] می‌بینیم، مصداق می‌یابد. [bigir] و [boxor] و مواردی از این دست نیز از همین قاعده تبعیت می‌کنند (حق شناس، ۱۳۹۳: ۶-۱۵۵).

از آنجاکه به‌طور پیش‌فرض، ما واکه‌ها را رساترین واحدها می‌دانیم، هرآنچه درون مرز واکه (vowel limit) باشد، عملاً داخل فضای واکه (vowel space) بوده و آنچه خارج از این فضا قرار بگیرد، مطابق تصویر ترسیم شده، دیگر واکه نیست.



۳-۴. هماهنگی واکه‌ای-همخوانی

همخوان‌ها نیز مانند واکه‌ها می‌توانند به شیوه‌های مختلف در همگونی و هماهنگی واکه‌ای مشارکت داشته باشند. براین اساس، سه نوع تداخل همخوانی (consonant interference) نیز وجود دارد:

۱. همخوان‌ها در مکان تولید ثانویه (secondary articulation place) ممکن است با واکه‌های اطراف هماهنگ شوند.

۲. همخوان‌ها می‌توانند بر الگوی هماهنگی واکه‌ای از سوی دومین مشخصه محل تولید (the second feature in place of articulation) نیز اثر بگذارند.

۳. همخوان‌ها با استفاده از اولین مشخصه تولید می‌توانند در فرایند هماهنگی واکه‌ای دخالت کنند (احمدخانی و واثق، ۱۳۹۹: ۳۶۶).

۳-۵. تیرگی (opacity) و شفافیت (transparency) در تعامل فرایندهای واجی

پدیده تیرگی به‌طور کلی در دو حالت که برعکس هم هستند، رخ می‌دهد. حالت اول وضعیتی است که بازنمایی آوایی یک واژه نشان می‌دهد که با وجود فراهم‌نبودن بافت لازم برای رخداد یک فرایند واجی، آن فرایند رخ داده است. حالت دوم وضعیتی است که با بررسی بازنمایی آوایی یک واژه مشاهده می‌شود که با وجود فراهم‌بودن بافت لازم برای رخداد یک فرایند واجی، آن فرایند رخ نداده است. علت تیرگی در واقع دو تعامل عکس‌زمینه‌چین (counterfeiting) و عکس‌زمینه برچین (counterbleeding) هستند؛ البته تعامل زمینه‌چین (feeding) نیز می‌تواند باعث تیرگی شود. فرایند واجی موجب تغییر تلفظ واژه می‌شود و گاهی دو یا چند فرایند واجی بدون اینکه

ارتباطی با یکدیگر داشته باشند، در واژه رخ می‌دهند. برای مثال، در تلفظ واژه «آن» /an/ به صورت [ʔun]، فرایند درج بست چاکنایی در آغازۀ تهی هجا و فرایند تبدیل واکه [a] به [u] در بافت پیش از همخوان خیشومی، بدون اینکه ارتباطی باهم داشته باشند، رخ داده است (جم، ۱۳۹۶: ۵). در این نمونه که تغییر ساختاری (structural change) و توصیف ساختاری (structural description) یا عامل تغییر در روساخت وجود دارند، قاعده جاری شفاف است؛ اما وقتی همین واژه در برخی گویش‌ها با حذف همخوان پایانی (عامل تغییر واکه) به صورت [ʔu] تلفظ می‌شود، در این حالت قاعده جاری در آن تیره است. مثال زیر نمونه دیگری است که تغییر و توصیف ساختاری یا عامل تغییر در روساخت آن وجود دارد و دارای قاعده شفاف است:

/# be + a #/ UP

be + j + a

bi + j + a

bija PR

۴. روش پژوهش

در این پژوهش ۱۱۰ واژه رایج در زبان فارسی دارای بافت واجی متناسب، انتخاب شده است. اجرای تحقیق حاضر در جمع‌آوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای و در ثبت و ضبط تلفظ گویشوران به صورت میدانی و پیمایشی انجام شده و داده‌ها با تحلیل محتوای کیفی ارزیابی شده‌اند؛ داده‌های پژوهش، واژه‌هایی از زبان فارسی هستند که بافت واجی متناسب برای ارتقای واکه قبل از خیشومی‌ها را دارند. داده‌ها در قالب پرسش‌نامه تنظیم شده و از ۱۵۰ گویشور فارسی‌زبان خواسته شده تا آن‌ها را به سبک غیررسمی تلفظ کنند. پرسش‌نامه‌ها به صورت پیمایشی از سطح شهر تهران تکمیل شده و برای هر پرسش‌نامه سه ساعت وقت صرف شده است. در ادامه نمونه‌هایی از کلمات مورد نظر آورده خواهد شد:

جدول (۱) نمونه کلماتی که با ارتقای واکه ادا شده‌اند

Table (1) The words in which the vowel raising acted

تابستان	/tabestun/
تمام	/tamum/

کدام	/kodum/
داماد	/dumad/
میدان	/mejdun/

نمونه داده‌هایی که در فرایند تحقیق با ارتقای واکه تلفظ شده‌اند عبارتند از: /اوشان/، /خانہ/، /شانہ/، /پیمانہ/، /ریحان/، /دیوانہ/، /میدان/، /باران/، /حرام/، /نان/، /جان/، /بیابان/، /خیابان/، /روان/، /میان/، /بادمجان/، /ناودان/، /فسنجان/، /گلدان/، /نمکدان/، /فنجان/، /فرمان/، /تمام/، /مهربان/، /باغبان/، /دانه/، /دانستن/، /آسمان/، /ماندن/، /پهلوان/، /دخترانه/، /داغان/، /کدام/، /آرام/ و غیره .

جدول (۲) نمونه کلماتی که بدون ارتقای واکه ادا شده‌اند
Table (2) The words in which the vowel raising din not act

آلمان	/ʔalman/
دبستان	/dabestan/
امتحان	/ʔemtehan/
دوستنام (دوستام)	/dustam/
مهران	/mehrman/

نمونه داده‌هایی که در فرایند تحقیق بدون ارتقای واکه تلفظ شده‌اند عبارتند از: /ایران/، /تهران/، /طالقان/، /کاشان/، /کرمان/، /اصفهان/، /کاشانه/، /سمنان/، /مهران/، /ساسان/، /افسانه/، /پروانه/، /خامه/، /خان/، /آبادان/، /زیان/، /ژیان/، /رام/، /خام/، /نام/، /کام/، /شام/، /دام/، /رام/، /آبان/، /داماد/، /شهرام/، /بهرام/، /پیغام/، /پیام/، /نگران/، /بیمارستان/، /گلستان/، /قهرمان/، /دبیرستان/، /پیکان/، /آلمان/، /لیسانس/، /بانک/، /یونان/، /دانشگاه/، /ایمان/، /امام/ و غیره .

در چارچوب نظریهٔ زایشی، فرایند ارتقای واکه قبل از خیشومی‌ها دارای قاعدهٔ مشخصی است؛ اما عمل نکردن این فرایند واجی قاعدهٔ مشخصی ندارد و در تحلیل داده‌ها به ذکر دلایل آن اکتفا می‌شود. از بین داده‌های مورد اشاره، برخی با ارتقای واکه و برخی بدون ارتقای واکه از سوی

گویشوران مخاطب تحقیق تلفظ شده‌اند. این تفاوت در عمل کردن فرایند واجی تحقیق حاضر برخلاف آنچه شیری (۱۳۸۶، ۱۳۶) به نقل از ترادگیل (Trudgill) در خصوص تفاوت‌های آوایی میان گویش مردان و زنان به آن اشاره کرده، تحت تأثیر متغیر جنسیت قرار ندارد؛ و به عواملی بستگی داشته که در نتایج تحقیق برشمرده شده‌اند. مضافاً اینکه تحقیق حاضر بیش از آنکه بر گویش‌های جغرافیایی متمرکز باشد، بر موانع واجی احتمالی تمرکز دارد که مانع از عمل کردن یک فرایند واجی می‌شوند. لهجه قزوینی که یکی از مشخصه‌های بارز واجی آن عدم تبعیت از ارتقای واکه /a/ قبل از خیشومی‌ها است، صرفاً به‌عنوان شاهدی بر تأثیر بسامد و عمومیت یک واژه در عمل کردن فرایند تحقیق مورد اشاره قرار گرفته است (مانند کلمه /نان/ که حتی در گونه زبانی غالب و رایج قزوینی نیز /نون/ تلفظ می‌شود؛ در حالی که در این گونه زبانی، فرایند مذکور در واژه‌های دارای بسامد کمتر، عمل نمی‌کند).

۵. ارائه و تحلیل داده‌ها

داده‌های تحقیق حاضر که در زبان فارسی بسامد بالایی دارند، کلماتی هستند که دارای توالی واکه پسین /a/ با یکی از همخوان‌های خیشومی (/m, n/) می‌باشند. در این بافت، طبق عملکرد قاعده موجود، فرایند ارتقای واکه محتمل است. بسامد وقوع در داده‌های تحقیق نشان داد اگرچه این قاعده طبق مستندات تاریخی متوقف شده و شامل واژه‌های نوساخت نمی‌گردد، در مورد واژه‌های قدیمی‌تر نیز به‌صورت جامع رعایت نشده و علل دیگری در عمل نکردن این فرایند در بافت‌های مشابه نقش دارند.

۱-۵. گرایش به عمل نکردن افراستگی واکه و دلایل آن

بافت واجی برای تشخیص اینکه فرایند مورد نظر در کجا عمل می‌کند یا نمی‌کند، کافی نیست؛ زیرا در بافت واجی مشابه، این فرایند ممکن است گاهی انجام بشود و گاهی انجام نشود. بررسی جایگاه تکیه در کلمات نیز نشان می‌دهد که نمی‌توان از آن به‌عنوان دلیل جامعی برای چگونگی عمل کردن این فرایند نام برد. در حالی که در شرایط جایگاه مشابه تکیه در کلمات مختلف، این فرایند در مقوله افعال بیشتر عمل کرده‌است: /خواندن ← خواندن/، /اراندن ← روندن/، /دانستن ← دونستن/، /ماندن ← موندن/.

بررسی موارد دیگری در مقوله‌های دستوری نظیر تکواژ جمع /an/، ضمیر و صفت اشاره /آن/، /همان/، /آنجا/، ضمایر متصل، تکواژهای سببی و متعدی‌ساز، اسم‌های خاص گرفته‌شده از زبان‌های فرانسوی، انگلیسی و عربی، اسامی خاص (مهران، پروانه، افسانه، ماهان) بعضی از اسامی مکان و کشورها (ایران، آلمان، یونان) و دلایلی از این دست از جامعیت لازم برخوردار نیستند؛ زیرا در برخی کلمات مصداق دارند و در بعضی دیگر ندارند (مثلاً /ایران/ در گونه زبانی تهرانی قدیم و برخی لهجه‌ها [ایرون] تلفظ می‌شود؛ اما /آلمان/ و /یونان/ چنین نیستند). این ویژگی نشان می‌دهد که فرایند تحقیق حاضر نه تنها متوقف شده است؛ بلکه در بسیاری از کلمات مسیر معکوسی را در پیش گرفته و گویشوران حتی بسیاری از واژه‌های قدیمی را نیز با این فرایند تلفظ نمی‌کنند.

این گرایش آوایی که در زبان‌های ایرانی، واکه /a/ قبل از خیشومی‌ها کوتاه‌تر و کمی بسته‌تر تلفظ می‌شود، به‌طور طبیعی عمل کرده و /a/ را به [u] تبدیل کرده است. به گواه ملاحظات تاریخی و ادبی، در این تغییر /a/ ابتدا به [o] و سپس به [u] تبدیل شده است. چنانچه در شعر فارسی، ادبا غالباً /جان/ را [جُن] و /آن/ را [اُن] تلفظ می‌کرده‌اند. واژه /خروس/ نیز در زبان پهلوی با خوشه همخوانی آغاز به صورت /xros/ و در گذار به فارسی امروزی ابتدا واکه /o/ به /u/ یعنی به صورت /xrus/ و سپس با درج واکه (برای شکستن خوشه همخوانی آغاز به صورت /xorus/ تبدیل شده که در صورت هماهنگی واکه‌ای به صورت /xurus/ تلفظ می‌گردد (مکنزی، ۱۳۷۳: ۲۳۴). در برخی نسخه‌های خطی قدیم نیز نویسنده تلفظ توالی /a/ با همخوان خیشومی را با اعراب‌گذاری مشخص کرده که نمونه این تلفظ در واژه [بازسُتندند] آمده است (سمعانی، ۱۳۶۸: ۸۷).

داده‌های تحقیق گرایش دیگری را نیز نشان می‌دهد. کلماتی که این فرایند در آن‌ها عمل نمی‌کند، نسبتاً جدید، تازه‌وارد به گفتار و یا کلماتی هستند که از زبان‌های دیگر به فارسی راه یافته‌اند. وام‌واژه‌های غیرعربی مانند /بانک/، /لیسانس/، /تانک/ و غیره از این دست هستند؛ بنابراین، شرایط آوایی، هجایی و جایگاه تکیه، و سایر عوامل واجی، علل نهایی عمل نکردن این فرایند نیستند.

۵-۲. چگونگی عمل نکردن فرایند افراشتگی واکه قبل از خیشومی‌ها

۱. کلمات دستوری زبان که دارای فهرست بسته‌اند، از ارتقای واژه قبل از خیشومی‌ها تبعیت می‌کنند. ضمیر و صفت اشاره /آن/ و ترکیب‌های آن (/همان/)، شناسه‌های فعلی، ضمائر متصل مفعولی، ملکی، پی‌بستی و علامت جمع -ان/ که در گفتار، بسامد بالایی دارند (/آقایان/، /دیگران/)، تکواژ متعدی و سببی‌ساز افعال (/کشانیدن/، /پیچانیدن/)، همچنان از این فرایند تبعیت می‌کنند.

۲. کلمات عربی که از قبل در گفتار فارسی به‌کار می‌رفته‌اند، از آن تبعیت کرده‌اند؛ اما کلماتی که بعدها از نوشتار یا به‌صورت وام‌واژه وارد گفتار شده‌اند، از آن تبعیت نمی‌کنند. این فرایند در داده‌هایی نظیر /تموم/ (تمام)، /حموم/ (حمام)، /حروم/ (حرام) عمل کرده است؛ اما در کلمات /امکان/ و /اسکان/ (به‌دلیل شباهت آوایی به واژه‌های /تابو/، /مقام/، /انعام/ و /زام/ عمل نکرده است.

۳. در کلماتی که از ترکی و مغولی وارد فارسی شده‌اند، این فرایند عمل نکرده است. کلمات /خان/ و /تومان/ از این دست هستند. عمل نکردن این فرایند در واژه /خان/ به‌دلیل قاعده مانع^۱، امکان‌پذیر نیست؛ زیرا برون‌داد این فرایند، واژه‌ای خواهد شد که از قبل در فهرست کلمات وجود داشته است (/خون/). این فرایند در وام‌واژه‌هایی که از زبان‌های اروپایی وارد فارسی شده نیز عمل نمی‌کند (/بانک/، /لیسانس/، /تانک/).

۴. این فرایند در واژه‌هایی که در دوره‌های متأخر ساخته شده یا از نوشتار به گفتار راه یافته‌اند، عمل نمی‌کند. کلمات /دبستان/، /دبیرستان/، /دانشکده/ و /بیمارستان/ از این دست هستند. کلمه /نامه/ در دوره اخیر از نوشتار وارد گفتار شده است. در گذشته از واژه /کاغذ/ به‌جای آن استفاده می‌شد؛ اما کلمات /اجاره‌نومه/ و /قباله‌نومه/ از قدیم در گفتار به‌کار می‌رفته و به همین خاطر فرایند افراستگی واژه در آن‌ها رخ داده است. در کلمات جدید، اشتراک در یک پسوند یا شباهت با واژه قدیمی که مشمول ارتقای واژه شده، ممکن است کلمات جدید را تغییر بدهد. مثلاً واژه‌هایی مانند /چمدان/ به‌دلیل شباهت جزء دوم (-دان)، مانند برخی کلمات دارای این جزء (/نمک‌دون/)، به‌صورت [چمدون] تلفظ می‌شود.

۵. در اسامی خاص که طی دوره‌های جدید از واژه‌های فارسی گرفته شده‌اند، مانند /افسانه/، /پروانه/، /مهران/، /ماهان/ و نیز اسامی جغرافیایی که به‌تدریج به گفتار راه یافته‌اند، مانند /ایران/، /آلمان/، /یونان/ و همچنین اسامی محل‌هایی که در دوره‌های نوین ساخته شده‌اند، مانند /آبادان/،

/سمنان/، /کاشان/ و /طالقان/ این فرایند عمل نکرده است؛ البته با توجه به گرایش‌های گویش‌محور، ممکن است برخی گویشوران به تبعیت از لهجه یا گویش خاصی و یا پرهیز از انتساب به آن گویش و لهجه، این کلمات را با افراشتگی و یا بدون افراشتگی تلفظ کنند (مثلاً در لهجه تهرانی قدیم، گویشوران این شهر را /تهرون/ و گویشوران کاشانی نام شهرشان را /کاشون/ تلفظ می‌کنند).
 ۶. تحلیل داده‌ها نشان داد، این فرایند در واژه‌های جدید عمل نمی‌کند و این امر دلیل مضاعفی بر توقف این فرایند است. به طوری که گویشوران مخاطب این تحقیق حتی در تلفظ کلمات هم معنی که بافت واجی و ساختواژی یکسانی دارند، غالباً واژه‌های قدیمی‌تر را با ارتقای واکه (/قبرستون/) و واژه‌های نوساخته را بدون ارتقای واکه تلفظ کرده‌اند (/آرامستان/). دلیل اینکه این فرایند در گذشته بیش از امروز عمل می‌کرده، آن است که نفوذ زبان نوشتار در زبان گفتار افزایش یافته و سبب عمل نکردن این فرایند در واژه‌هایی شده که قبلاً با ارتقای واکه ادا می‌شده‌اند. /تهران/، /اصفهان/، /کاشان/، /سمنان/، /کرمان/ و /نامزد/ در گذشته، بیشتر از امروز به صورت /تهرون/، /اصفهبون/، /کاشون/، /سمنون/، /کرمون/ و /نومزد/ تلفظ می‌شده‌اند و کاربرد تلفظ صورت نوشتاری به تدریج از تلفظ گفتاری بیشتر شده است. ارتباط این ویژگی به متغیرهایی نظیر سن، جنسیت و تحصیلات نیز محتمل است؛ زیرا به عنوان نمونه بسامد تبعیت و عدم تبعیت از این فرایند در تحقیق حاضر در بین آقایان و بانوان متفاوت نشان داد.

نتیجه‌گیری

درخصوص همگونی واکه /a/ با همخوان‌های خیشومی که موجب افراشتگی واکه می‌گردد، می‌توان گفت که این فرایند غالباً در مورد کلمات جدید، اعم از اینکه وام‌واژه باشند یا در اثر فرایندهای واژه‌سازی به زبان راه یافته باشند، عمل نمی‌کند. بسیاری از کلماتی که در گذشته نه‌چندان دور با ارتقای واکه قبل از خیشومی‌ها تلفظ می‌شده‌اند، امروزه بدون افراشتگی واکه تلفظ می‌شوند؛ بنابراین، علاوه بر توقف این فرایند، در گفتار امروز گویشوران، شاهد روند معکوسی از این حیث هستیم.

نتایج همچنین نشان داد که بافت آوایی کلمات برای تعیین علت عمل نکردن این فرایند کافی نیست. برخی داده‌ها، کلماتی هستند که تکیه آن‌ها روی هجای آخر یا ما قبل آخر است؛ اما محل تکیه نیز معیار جامعی برای عمل نکردن این فرایند نیست؛ چون وام‌واژه‌های پرسیامدی مانند /دانشکده/، /بانک/ و /لیسانس/ را هیچ گویشوری [دانشکده]، [بونک] و [لیسونس] تلفظ نمی‌کند؛

واژه‌هایی که کاربرد رسمی یا آموزشی دارند، با بسامد کمتر مشمول این فرایند نمی‌شوند. بدیهی است که کلمات رسمی، آموزشی، فناوری و یا واژه‌های مرتبط با آن‌ها کاربرد چندانی در گفتار غیررسمی گویشوران ندارند؛ بنابراین، تأثیر بافت واجی، بسامد واژه و محل تکیه، حتی اگر برای عمل کردن فرایند ارتقای واکه شرط لازم باشند، شرط کافی نیستند. در واقع، در تحقیق حاضر، عمده داده‌هایی که از این فرایند متوقف شده تبعیت کرده‌اند، کلماتی هستند که از گذشته با این افزایش واکه تلفظ شده‌اند و با این بازنمایی آوایی نزد گویشوران پذیرفته شده‌اند. باین حال، تعداد گویشوران مخاطب تحقیق حاضر به تفکیک جنسیت، سن و تحصیلات و بسامد داده‌هایی که بر اساس این متغیرها از قاعده ارتقای واکه تبعیت نکرده‌اند، حاکی است که علاوه بر علل و عواملی که مورد اشاره قرار گرفت، تأثیر متغیرهای یادشده نیز در عمل نکردن این فرایند محتمل است.

نکته مهم در بررسی داده‌ها این است که عمل کردن این فرایند، بیشتر در مقوله‌های بسته دیده می‌شود؛ و در مقوله باز که فرایندهای واژه‌سازی در آن زایی دارند، این فرایند در گفتار غیررسمی به‌طور جامع عمل نمی‌کند. این ویژگی سبب شده که برای عمل نکردن این فرایند، نتوان قاعده‌ای در نظر گرفت که با خصوصیات ممیز واج‌ها و بافت آن‌ها متناسب باشد.

پی‌نوشت:

^۱ طبق این قاعده، برون‌داد فرایند واجی نمی‌تواند درون‌دادی باشد که از قبل در فهرست واژه‌ها وجود داشته - است (ارتقای واکه در /خان/ و تبدیل آن به /خون/ امکان‌پذیر نیست).

منابع

کتاب‌ها:

- بی‌جن خان، محمود (۱۳۸۴). *واج‌شناسی نظریه بهینگی*. تهران: انتشارات سمت.
- حق شناس، علی محمد (۱۳۹۳). *آواشناسی (فونتیک)*. تهران: آگه.
- سمعانی، شهاب‌الدین احمد بن منصور (۱۳۶۸). *روح‌الارواح؛ تصحیح نجیب مایل هروی*. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- شقایق، ویدا (۱۳۸۶). *مبانی صرف*. تهران: سمت.

شیری، علی اکبر (۱۳۸۶). *درآمدی بر گویش شناسی*. تهران: مازیار.
صادقی، علی اشرف (۱۳۸۰). *مسائل تاریخی زبان فارسی* (مجموعه مقالات). تهران: سخن.
کردزعفرانلو کامبوزیا، عالیہ (۱۳۹۲ الف). *واج شناسی رویکردهای قاعده بنیاد*. تهران: سمت.
مکنزی، دیوید نیل (۱۳۷۳). *فرهنگ کوچک زبان پهلوی*؛ برگردان مهشید میرفخرایی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

مقالات:

احمدخانی، محمدرضا و واثق، الهه (۱۳۹۹). «بررسی هماهنگی واکه‌ای و واکه‌ای-همخوانی

در زبان

فارسی در چهارچوب نظریهٔ بهینگی»، *جستارهای زبانی*، دوره ۱۱، ش ۶.
جم، بشیر (۱۳۹۶). «تحلیل تیرگی واج‌شناختی در زبان فارسی»، *جستارهای زبانی*، دوره ۸، ش ۷.

رضی‌نژاد، سید محمد (۱۳۹۲). «هماهنگی و ناهماهنگی واکه‌ای در زبان ترکی آذربایجانی»، *پژوهش‌های زبانی* (دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران)، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، دوره ۴، ش ۲.

زارعی، مهدی (۱۳۹۹). «بررسی هماهنگی واکه‌ای در لهجه‌های فارسی تهرانی، گیلکی، ترکی و کردی»، *ششمین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزهٔ زبان و ادبیات ایران*.
کردزعفرانلو کامبوزیا، عالیہ و عزت‌آبادی‌پور، طاهره (۱۳۹۶ ب). «بررسی فرایند ارتقای واکه و واژگونی این قاعده در گونه‌های زبان فارسی: رویکرد زایشی»، *مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران*، سال پنجم، زمستان ۱۳۹۶، ش ۱۹.

References

Book:

- Chomsky N. and M. Halle (1968). *The Sound Pattern of English*, New York: Harper and Row, Publishers.
- Jensen, John T. (2004). *Principles of Generating Phonology, An Introduction*, Philadelphia: John Benjamin Pub. Co..
- Jensen, John T. (1990). *Morphology: Word Structure in Generative Grammar*, Philadelphia: John Benjamins Pub. Co.
- Mompean, Jose A. (2006). *Introduction: Cognitive Phonology (in Cognitive Linguistics)*, Article in International Journal of English Studies.
- Kenstowicz, M. (1994). *Phonology in Generative Grammar*, Cambridge, Massachusetts: Blackwell Publishers, (1994).

Paper:

- McCarthy, 1988. *Feature Geometry and Dependency: A review*, *Phonetica*.
- Van der Hulst, H. (2003). *Cognitive Phonology*, University of Connecticut:(vdhulst@uconnvm.uconn.edu).
- Van der Hulst, H. (2016). *Vowel harmony*, Oxford Research Encyclopedia of Linguistics (OnLine).